

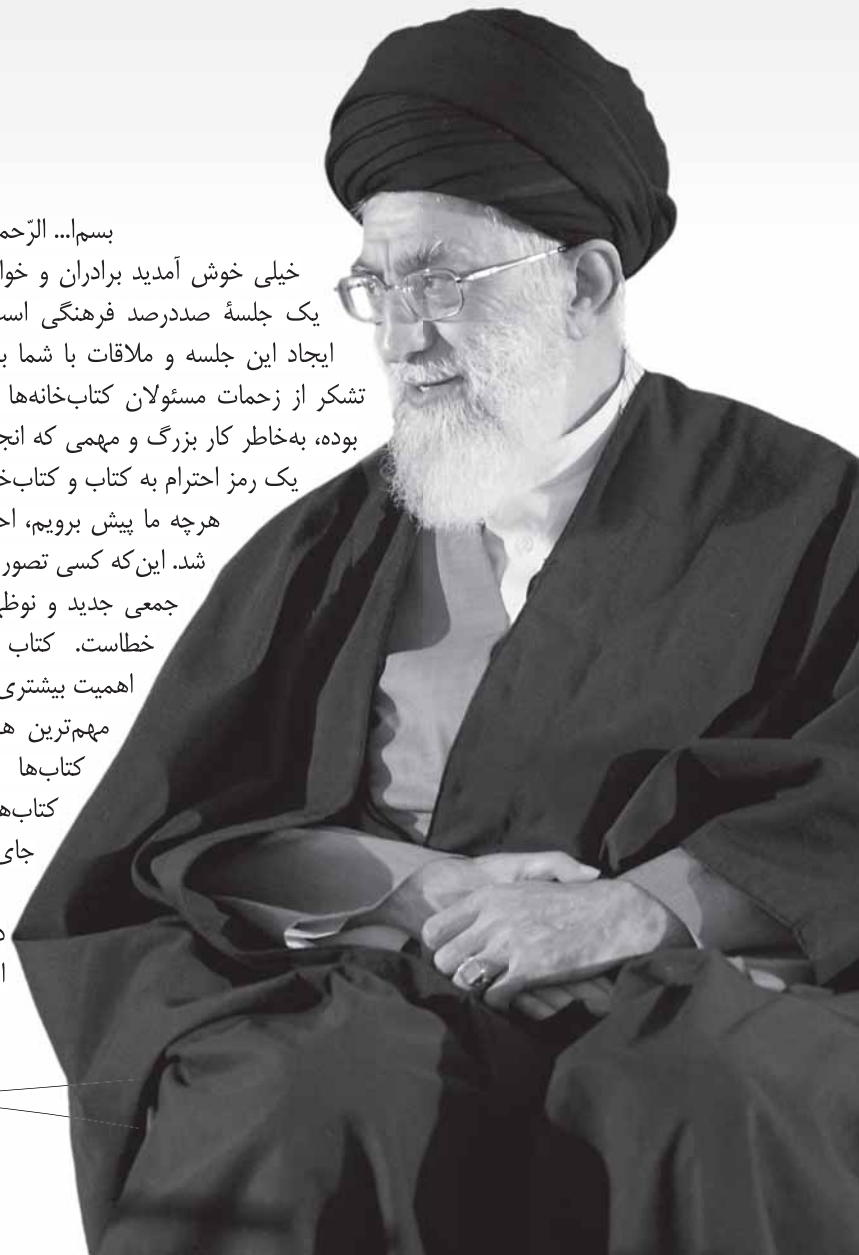
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتاب‌داران

در تاریخ ۹۰/۴/۲۹

هیچ چیز جای کتاب را نمی‌گیرد

بسم... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز اهل کتاب. جلسه، یک جلسهٔ صددرصد فرهنگی است، و بندهٔ حقیر قصد اولم از ایجاد این جلسه و ملاقات با شما برادران و خواهران عزیز، یکی تشکر از زحمات مسئولان کتابخانه‌ها و کتاب‌دارها در سراسر کشور بوده، به‌خاطر کار بزرگ و مهمی که انجام می‌دهند، و دیگری در واقع یک رمز احترام به کتاب و کتاب‌خوانی و اهمیت کتاب در جامعه. هرچه ما پیش برویم، احتیاج ما به کتاب بیشتر خواهد شد. این که کسی تصور کند با پدید آمدن وسایل ارتباط جمعی جدید و نوظهور، کتاب منزوی خواهد شد، خطاست. کتاب روزبه‌روز در جامعهٔ بشری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ابزارهای نوظهور مهم‌ترین هنرشان این است که مضمون کتاب‌ها و محتوای کتاب‌ها و خود کتاب‌ها را راحت و آسان منتقل کنند. جای کتاب را هیچ چیزی نمی‌گیرد. یک نکته این است که ما اگر درصدد هم‌افزایی آحاد خودمان، از لحاظ فکر و تجربه و ذوق



و هنر هستیم، بایستی ارتباط خودمان را با کتاب بیشتر کنیم. کتاب مجموعه‌ای است از محصولات یک فکر، یک اندیشه، یک ذوق، یک هنر؛ مجموعه‌ای است از یافته‌های یک یا چند انسان. ما خیلی باید مغتنم بشمریم که از محصول فکر آحاد گوناگون بشر استفاده کنیم؛ این کاری است که کتاب به ما تقدیم می‌کند، هدیه می‌کند؛ این هدیه کتاب به ماست. لذا کتاب یک پدیده و یک موجود ذی‌قیمت است؛ همیشه این جور بوده است، در آینده هم همین‌طور خواهد بود. لذاست که به کتاب بایستی اهتمام ورزید.

به گمان من
یکی از بدترین و
پرخسارت‌ترین تنبلی‌ها
تنبلی در خواندن کتاب
است

اهتمام به کتاب در واقع قوامش به اهتمام به کتاب‌خوانی است. در جامعه باید سنت کتاب‌خوانی رواج پیدا کند. فایده سوادآموزی این است. اثر حرکت و نهضتی که در کشورها برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی انجام می‌گیرد، عبارت است از همین، که بتوانند از این مجموعه عرضه‌کننده فکر و ذوق و استعداد دیگران استفاده کنند؛ این بدون کتاب‌خوانی امکان‌پذیر نیست. به گمان من، یکی

از بدترین و پرخسارت‌ترین تنبلی‌ها، تنبلی در خواندن کتاب است. هرچه هم انسان به این تنبلی میدان بدهد، بیشتر می‌شود. کتاب‌خوانی باید در جامعه ترویج شود و این کار برعهده همه دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئول‌اند؛ از مدارس ابتدایی بگیرید - که برنامه‌هایی باید باشد که کودکان ما را از اوان کودکی به خواندن کتاب عادت بدهد؛ خواندن با تدبیر، خواندن با تحقیق و تأمل - تا دستگاه‌های ارتباط‌جمعی، تا صداوسیما، تا وسایل تبلیغاتی گوناگون.

یکی از کارهای بزرگ و مهم در سطح جامعه این است که تبلیغات کتاب‌خوانی همه‌گیر شود. ما امروز می‌بینیم برای کالاها کم‌اهمیت که تأثیری هم در زندگی انسان‌ها ندارند، صاحبانشان تبلیغات رنگین عجیب و غریبی را متصدی می‌شوند، مباشر می‌شوند؛ دستگاه‌های ارتباط‌جمعی، مطبوعات، صداوسیما آن‌ها را پخش می‌کنند. در حالی که آن محصولات هیچ ضرورتی ندارند، هیچ لزومی ندارند، یک چیز اضافی در زندگی هستند؛ گاهی بودنشان مفید است، گاهی بودنشان حتی مفید هم نیست؛ شاید مضر هم هست. محصولی با عظمت کتاب، با ارزش کتاب، درخور این است که تبلیغ بشود؛ تشویق بشوند کسانی که می‌توانند کتاب را بخوانند. این را ما باید به صورت عادت در بیاوریم.

و من عرض کنم، ما در کشورمان، در جامعه خودمان، از واقعیتی که در این زمینه وجود دارد، راضی نیستیم. بله، درست است، امروز حجم کتاب‌هایی که تولید می‌شوند، با گذشته خیلی تفاوت کرده است. گاهی چند برابر کتاب منتشر می‌شود یا شمارگان کتاب‌ها بالا می‌رود، لیکن این کافی نیست؛ این‌ها برای کشور ما خیلی کم است. باید جوری بشود که در سبد کالای مصرفی خانواده‌ها، کتاب یک سهم قابل قبولی پیدا کند و کتاب را بخردند برای خواندن، نه برای تزئین اتاق کتاب‌خانه و نشان دادن به این و آن. این هم یک نکته است، که مسئله کتاب‌خوانی در جامعه است.

مسئله دیگر، مسئله کتابخانه‌هاست. خب کتاب‌داران محترم زحمات عمده‌ای را در این زمینه به‌عهده می‌گیرند و متصدی و مباشرند. بنده از دوران نوجوانی در مراجعه به کتابخانه‌ها، نقش کتاب‌داران را از نزدیک مشاهده می‌کردم. می‌رفتیم کتابخانه آستان قدس رضوی و می‌دیدیم که کتاب‌دارهای آن‌جا چه نقشی ایفا می‌کنند، چه زحمتی می‌کشند، چه دلسوزی‌ای به خرج می‌دهند. نفس کتاب‌داری، یک کار انسانی فرهنگی برجسته‌ای است. منتها کتاب‌دار صرفاً آن کسی نیست که خدمت آوردن و دادن کتاب را به‌عهده می‌گیرد. کتاب‌دار می‌تواند منبع و منشأ و مرجعی باشد برای راهنمایی مراجعه‌کنندگان به کتاب. یکی از کارهای مهم این است که ما ذهن را عادت بدهیم به نظم در مطالعه. گاهی مراجعه به یک کتاب اگر در جای خود قرار بگیرد، یعنی قبل از این کتاب، کتاب‌های دیگری که متناسب با این موضوع است، خوانده شده باشد، بعد این کتاب مطالعه شود، تأثیر به‌مراتب بیشتر و عمیق‌تری خواهد داشت از این که این کتاب بدون ملاحظه آن‌چه که مرتبط با آن است، دیده شده باشد. خب این راهنمایی می‌خواهد.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است

بعضی از ذهن‌ها اهل کتاب‌اند، منتها کتاب آسان؛ کتابی که احتیاج به فکر کردن نداشته باشد. عیبی ندارد. این هم کتاب خواندن است، نفی نمی‌کنیم، اما بهتر از این شیوه کتاب‌خوانی، این است که انسان در مجموعه کتاب‌خوانی خود بتواند بیامیزد کتاب آسان را - فرض کنید رمان را، خاطره را، کتاب‌های تاریخی آسان را - با کتاب‌هایی که احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن این نوع کتاب‌ها را باید وارد مقوله کتاب‌خوانی کرد. ذهن را عادت بدهیم به این که اهل تأمل باشد، اهل تدقیق باشد. ذهن کار کند، در مواجهه با کتاب فعالیت کند. این احتیاج دارد به راهنمایی.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوان‌ها را، نوجوان‌ها را به کتاب‌خوانی تشویق می‌کنیم، مراجعه می‌کنند، می‌گویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جواب‌های متعددی دارد. مجموعه متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند. در بخش‌های مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکل‌های مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد. این هم یک نکته است. یک نکته دیگر، انتخاب و گزینش کتاب است. کتاب، محصول فکر و مغز و تجربه و هنر و ذوق یک کسی است یا کسانی است که این کتاب را تهیه و تولید کرده‌اند. لزوماً هر کتابی مفید نیست و هر کتابی غیرمضر نیست. بعضی کتاب‌ها مضر است. مجموعه‌ای که متصدی

امر کتاب است، نمی‌تواند با اتکا به این فکر که ما آزاد می‌گذاریم، خودشان انتخاب کنند، هر کتاب مضرى را وارد بازار کتاب‌خوانی کند. هم‌چنان که داروهای مسموم را، داروهای خطرناک را، داروهای مخدر را متصدیان امور این داروها آسان و بی‌قید در اختیار همه نمی‌گذارند؛ از دست‌رس دور نگه می‌دارند، گاهی هشدار می‌دهند. این یک خوراک معنوی است، اگر فاسد بود، اگر مسموم بود، اگر مضر بود، ما به عنوان ناشر، به عنوان کتاب‌دار، به عنوان کتاب‌خانه‌دار، به عنوان متصدی پخش - به هر عنوانی که با کتاب ارتباط دارد - حق نداریم این را در اختیار افرادی قرار بدهیم که آگاه نیستند. ملتفت نیستند؛ که این در فقه اسلام، یک فصل مخصوص به خود دارد. پس باید مراقبت کرد. باید کتاب خوب را، کتاب سالم را در اختیار گذاشت. بیشتر هم باید توجه کرد به این که آن کتاب بتواند هم پرورش فکری بدهد، هم راه درست را در اختیار بگذارد. بنابراین در کنار برنامه مطالعاتی، توجه به این نکته هم لازم است.

ما به عنوان ملت ایران و به عنوان یک ملت مسلمان، ارتباطمان با کتاب، ارتباط بنیانی و عمیق و کهن است. ما امروز و دیروز با مقوله کتاب آشنا نشده‌ایم. در کشور ما، به‌خصوص بعد از انتشار اسلام، کتاب‌خانه‌های عظیم، مجموعه‌های علمی، مکتوبات با ارزش، یک سابقه کهن تاریخی دارند. ما ملتی هستیم که با کتاب خیلی سابقه داریم؛ در طول قرن‌های متمادی با کتاب انس داشته‌ایم. البته آن روزها دسترسی به کتاب آسان نبود. استنساخ کتاب‌های خطی دشوار بود، اما در عین حال کسانی که اهل بودند، شایسته برای استفاده از کتاب بودند، چه مجاهدت‌ها می‌کردند. خوانده‌ایم و مکرر شنیده‌ایم که کسانی به یک کتاب احتیاج داشتند، دارنده کتاب بخل می‌ورزیده و نمی‌داده است. بعد با التماس، با زحمت، یک شب، دو شب این کتاب را امانت گرفتند، شب و روز نخوابیدند، استراحت نکردند، برای این که این کتاب را استنساخ کنند و یک نسخه آن را در اختیار خودشان داشته باشند. از این قبیل فراوان است. امروز این موانع برطرف شده است. پیشرفت علم، تولید کتاب، تکثیر کتاب، انتشار کتاب را آسان کرده. ما امروز بایستی با توجه به این سابقه کهن، جایگاه خودمان را در نشر کتاب، در استفاده از کتاب، بالا ببریم.

تولیدکنندگان کتاب هم بایستی به این معنا توجه کنند. در تولید کتاب - چه تولید به معنای ایجاد کتاب، چه تولید به معنای ترجمه کتاب، چه تولید به معنای نشر کتاب و در اختیار این و آن قرار دادن - به نیازها و خلأهای جامعه نگاه کنند. خلأهای فکری را، نیازهای فکری را بشناسند، انتخاب کنند، سراغ آن‌ها بروند. ما می‌بینیم در مجموعه کتاب و بازار کتاب، گاهی اوقات هدایات‌های همراه با انحراف را دنبال می‌کنند. به خصوص سراغ مسائلی می‌روند که برای ذهنیت جامعه، برای ذهنیت کشور، چه از لحاظ جنبه‌های اخلاقی، چه از لحاظ جنبه‌های دینی و اعتقادی، چه از لحاظ جنبه‌های سیاسی، زیان‌بخش است. انسان به‌وضوح مشاهده می‌کند که در بازار کتاب، در مجموعه کتاب، دست‌هایی فعال اند یک چیزهایی را وارد کنند،

ترجمه‌هایی را به وجود بیاورند، با مقاصد سیاسی. ظاهرش فرهنگی است، اما باطنش سیاسی است.

به شما عرض کنم، بسیاری از کارهایی که در مقوله فرهنگ در کشور ما از سوی بیگانگان، دشمنان، معارضان اسلام و نظام اسلامی ترویج می‌شود، ظاهرش فرهنگی است. اما باطنش سیاسی است؛ این را انسان مشاهده می‌کند. مجموعه دست‌اندرکاران امر کتاب - چه شما که کتاب‌دارید، چه مدیریت کتاب‌خانه‌ها، چه آن کسانی که در وزارت ارشاد مسئول این کارند، چه خود ناشران محترم - باید توجه کنند که مواد تغذیه معنوی سالم، مفید و مقوی بایستی در سطح جامعه منتشر شود. امروز خوش‌بختانه سطح سواد و امکان استفاده از کتاب، وسیع و گسترده است؛ از این امکان باید استفاده کرد.

کاری کنیم که
کتاب‌خوانی یک امر
رایج بشود و کتاب از
دست جوان ما نیفتد

من از این اجتماعی که امروز هست، می‌خواهم این استفاده را بکنم که یک تجدید مطلعی بشود در مسئله کتاب و کتاب‌خوانی و کتاب خوب و کتاب مفید و کتاب سالم. یک حرکتی را همه مسئولان در کشور آغاز کنند. از آن‌هایی که برنامه‌ریزی می‌کنند، تا آن‌هایی که تولید می‌کنند، تا آن‌هایی که تبلیغ می‌کنند، تا مخاطبان کتاب، جوان‌ها و غیرجوان‌ها که کتاب را می‌خوانند، یک نگاه جدیدی داشته باشیم. شمارگان هزار و دو هزار و سه هزار و این‌ها شایسته کشور ۷۵ میلیونی ما با این همه جوان، با این همه انگیزه نیست. باید تیراژها خیلی بالاتر باشد. حالا در بعضی از موارد خوش‌بختانه انسان می‌بیند دفعات چاپ کتاب‌ها خیلی بالاست، لیکن در عین حال در مجموع که نگاه می‌کنیم، نه، راضی‌کننده نیست، قانع‌کننده نیست، باید یک حرکتی آغاز شود.

به هر حال من، هم تشکر می‌کنم از مجموعه مسئولان امر کتاب، و هم خواهش می‌کنم که به مسئله کتاب به شکل جدی‌تری نگاه شود. کاری کنیم که کتاب‌خوانی یک امر رایج بشود و کتاب از دست جوان ما نیفتد. این که گفته می‌شود در شبانه‌روز سرانه مطالعه کتاب فلان مقدار است، این‌ها آمارهای راضی‌کننده‌ای نیست؛ خیلی بیشتر از این باید باشد. هیچ‌وقت انسان از کتاب مستغنی نیست. از دوران نوجوانی، از اول سوادآموزی تا آخر عمر، انسان احتیاج دارد به کتاب؛ احتیاج دارد به درک مسائل و جذب مواد تغذیه معنوی و روحی و فکری. این بایستی در سطح عموم جامعه فهمیده شود و دنبال شود و اقدام شود.

ان‌شاء... خداوند متعال شماها را موفق و مؤید بدارد. ما از زحماتتان تشکر می‌کنیم. از آن‌چه که اتفاق افتاده، خرسندیم و توقع ما این است که آن‌چه را که انجام داده‌اید، ان‌شاء... به اضعاف مضاعف آن‌ها را زیاد کنید. خداوند شما را کمک کند و ان‌شاء... مشمول دعای حضرت بقیه... (ارواحن فداه) باشید. والسلام علیکم ورحمة... و برکاته.